

درس تفسیر استاد حاج سید مجتبی نورمفیدی

تاریخ: ۳۰ بهمن ۱۳۹۴
مصادف با: ۲۰ جمادی الاول ۱۴۳۸
جلسه: ۴۱

موضوع کلی: تفسیر سوره حمد
موضوع جزئی: معنای صراط - مقدمه

﴿ الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد وآله الطاهیرین و اللعن علی اعدائهم اجمعین ﴾

معنای صراط

در جلسه گذشته عرض کردیم درباره صراط مستقیم، سوالات و پرسش‌هایی مطرح است که باید به آنها پاسخ داده شود، اینکه معنای صراط چیست و وصف استقامت و مستقیم که در آیه ذکر شده است به چه معنا می‌باشد، و سوالاتی از این قبیل که باید به آنها پاسخ دهیم.

مقدمه

برای اینکه معنای صراط مستقیم روشن شود، یک مقدمه‌ای که متضمن چند مطلب است باید بیان کنیم، آنگاه از این مطالب می‌توانیم معنای صراط مستقیم را بدست بیاوریم و آنگاه آثاری که بر این معنا مترتب می‌شود را بیان کنیم. این مقدمه متضمن چند مطلب است:

مطلب اول

به طور کلی همه موجودات این عالم بخصوص انسانها راهی را به سوی پروردگارشان طی می‌کنند، اینکه می‌گوییم همه موجودات، شامل غیر انسان‌ها هم می‌شود، این مطلب هم از آیات قرآن استفاده می‌شود. از جمله آیه «وَالْيَاقِوتُ الْمَصِيْرُ»^۱، بازگشت امور به سوی اوست، که در خصوص انسان نیست، بلکه همه موجودات عالم راه به سوی پروردگار دارند.

یا آیه «أَلَا إِلَى اللَّهِ تَصِيْرُ الْأُمُورِ»^۲، آگاه باشید که همه امور به سوی پروردگار او بر می‌گردد، اطلاق این آیه و عمومیتی که در این آیه است شامل همه امور و همه موجودات می‌شود، فرقی نمی‌کند که امر به معنای انسان باشد یا غیر انسان، بازگشت همه به سوی خداوند است، پس این مطلب که همه موجودات راه به سوی خداوند دارند، یعنی یک مسیری را طی می‌کنند تا به خدا برسند در مورد انسان این برجسته تر بیان شده است.

در آیه «يَا أَيُّهَا الْإِنْسَانُ إِنَّكَ كَادِحٌ إِلَىٰ رَبِّكَ كَدْحًا فَمُلَاقِيهٖ»^۳، ای انسان به درستی که تو به سوی پروردگارت و به سوی رب خود در حال تلاش و حرکت هستی، «کدح» به معنای تلاش همراه با رنج و خستگی و سختی است، و خطاب به انسان است، نمی‌گوید: «یا ایها المؤمن»، «یا ایها المسلم»، بلکه می‌گوید «یا ایها الانسان» این اعم از انسان کافر و

۱. سوره تغابن: آیه ۳.

۲. سوره شوری: آیه ۵۳.

۳. سوره انشقاق: آیه ۶.

انسان مؤمن است، بالاخره همه به دیدار او میرسند، این مهم است که همه انسانها حرکتشان به سوی خدا است و به دیدار خداوند نائل می‌شود، حال بعداً خواهیم گفت که ملاقات خداوند برای انسانها متفاوت است، مؤمنین یک جلوه از جلوه‌های حق تعالی را می‌بینند، جلوه رحمت و رحمانیت و رحیمیت، کفار و منافقین یک جلوه دیگر از خدا را می‌بینند، شدید العقاب، چهره منتقم، چهره غضب و انتقام خدا را می‌بینند، ولی اصل ملاقات با خداوند مسلم است، هیچ-کس و هیچ چیز مستثنی نیست، انسانها بنابر تکلیفی که داشتند و اطاعت و عصیان که در پی تکلیف از آنها سر زده است به یکی از این وجوه خدا را ملاقات می‌کنند.

پس مطلب اول این است همه موجودات عالم راه به سوی خدا دارند و انسانها به خصوص دیدار کننده خدا هستند، لکن هر کدام به یک وجه.

مطلب دوم

مطلب دوم که از آیات قرآن و کلام خداوند استفاده می‌شود این است که، راه‌های ملاقات خداوند هم متفاوت است، ضمن اینکه خدا را هر یک به یک وجهی می‌بینند، راه‌هایی که انسانها برای ملاقات با خداوند طی می‌کنند، این راه‌ها هم یک راه نیست و راه‌های متعددی است، صفات این راه‌ها هم متفاوت است، تخلف یا تخلف ناپذیری این راه‌ها متفاوت است، وحدت و کثرت این راه‌ها متفاوت است، دوری و نزدیکی آنها با هم فرق دارند، پستی و بلندی آنها مختلف است، بعضی به سوی پایین هستند و بعضی به سوی بالا، بعضی در آن صعود است و در بعضی سقوط، بعضیها قطعاً به مقصد میرسند و بعضی تخلف پذیرند، می‌توانند به مقصد برسند و می‌توانند به مقصد نرسند ضمن اینکه سبیل به سوی خدا هستند، یعنی راه به سوی خدا است ولی در عین حال تضمینی نیست که سوی خدا برسد، ممکن است از این تخلف حاصل شود.

علی ای حال اصل اینکه راه‌های مختلفی برای این جهت وجود دارد مسلم است، اما اگر بخواهیم این راه‌ها را دسته-بندی کنیم بطور کلی می‌توانیم بگوییم دو قسم راه وجود دارد، وقتی می‌گوییم دو قسم، یعنی هر کدام از این اقسام می‌تواند شامل طیف‌های متعددی از راه‌ها باشد.

این دو قسم راه در این آیات بیان شده است، از جمله آیه « أَلَمْ أَعْهَدْ إِلَيْكُمْ يَا بَنِي آدَمَ أَنْ لَا تَعْبُدُوا الشَّيْطَانَ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُبِينٌ * وَأَنْ اعْبُدُونِي هَذَا صِرَاطٌ مُسْتَقِيمٌ »^۱، اینجا خطاب به فرزندان آدم می‌فرماید: آیا من با شما عهد نکردم که شیطان را پرستش نکنید و عبد و ذلیل شیطان نشوید، چه اینکه شیطان دشمن و خصم آشکاری برای شما می‌باشد، پس «لَا تَعْبُدُوا الشَّيْطَانَ» نهی می‌کند از اتباع و پیروی شیطان، «وَأَنْ اعْبُدُونِي هَذَا» توصیه می‌کند به پیروی از صراط مستقیم، خود اینکه در این آیه می‌فرماید «هَذَا صِرَاطٌ مُسْتَقِيمٌ»، معلوم می‌شود آن راه دیگری که در مقابل این است صراط غیر مستقیم است، این راه، راه عبودیت خدا و تسلیم و بندگی در برابر خدا است و در مقابل این راه دیگری است که عبارت

۱. سوره بقره: آیه ۶۰ و ۶۱.

است بندگی شیطان، حال این آیه اشاره دارد به این دو قسم راه، وقتی می‌گوید «هَذَا صِرَاطٌ مُسْتَقِيمٌ» لازمه «هَذَا صِرَاطٌ مُسْتَقِيمٌ» این است که آن طریق عبادت شیطان صراط غیر مستقیم است، یعنی عبادت شیطان هم یک صراط است ولی صراط مستقیم نیست، پس دو قسم راه در اینجا وجود دارد. یا مثلاً آیه «فَإِنِّي قَرِيبٌ أُجِيبُ دَعْوَةَ الدَّاعِ إِذَا دَعَانِ فَلْيَسْتَجِيبُوا لِي وَلْيُؤْمِنُوا بِي لَعَلَّهُمْ يَرْشُدُونَ»^۱، خداوند می‌فرماید: من به شما بسیار نزدیک هستم، و دعای هر طلب‌کننده‌ای را در صورتی که من را واقعاً طلب کند و بخواهد اجابت می‌کنم، بعد از اینکه این جمله را می‌فرماید، «فَلْيَسْتَجِيبُوا لِي وَلْيُؤْمِنُوا بِي» پس باید من را اجابت کنند و به من ایمان بیاورند، «لَعَلَّهُمْ يَرْشُدُونَ» چه بسا اجابت من و ایمان به من موجب رشد و تعالی آنها شود. درست است در این آیه سخن از سبیل و صراط نیست، ولی اینکه می‌فرماید: من را بخوانید و من را عبادت کنید، معلوم می‌شود در برابر دعوت خدا یک دعوت دیگری هم وجود دارد، یعنی کَانَ دو دعوت وجود دارد، دعوت خدا و دعوت غیر خدا، آنهایی که دعوت خدا را اجابت می‌کنند کسانی هستند که به او ایمان می‌آورند، و آنهایی که دعوت غیر خدا را اجابت می‌کنند به غیر خدا ایمان می‌آورند، پس معلوم می‌شود که دو داعی به سوی دو راه وجود دارد، یکی دعوت‌کننده آن خداست، و یکی شیطان است، خدا برای ایمان به خودش و شیطان برای کفر به خداوند دعوت می‌کند، و هر یک می‌خواهد پیروانی در این مسیر برای خود جذب کند.

پاسخ به یک شبهه

پس آیاتی از این قبیل وجود دارد که از این آیات استفاده می‌شود که راه‌ها به سوی خدا در یک دسته‌بندی کلی بر دو دسته می‌باشد، یکی راه مستقیم و راه به سوی خدا و دیگری راه غیر مستقیم و راه به سوی شیطان، منتهی این با مطلب اولی که گفتیم منافاتی ندارد، در مطلب اول گفتیم همه خدا را ملاقات می‌کنند، در مطلب دوم می‌گوییم یک راه به سوی شیطان است و راه دیگر به سوی خدا، اگر می‌گوییم یک راه به سوی شیطان است باید نتیجه آن این باشد که راه‌ها به-طور کلی دو مقصد داشته باشد، مقصد یک راه خدا و مقصد راه دیگر شیطان، این چگونه سازگاری دارد با مطلب اول که گفتیم همه موجودات از جمله انسان به سوی خدا می‌روند و خدا را ملاقات می‌کنند؟

پاسخ این است که این منافاتی ندارد، اگر کسی از صراط مستقیم برود، قهراً این طبیعی است، چون صراط، صراط عبودیت و بندگی خداست، ملاقات به خداوند منتهی می‌شود، اما کسی که صراط غیر مستقیم را برود و به دعوت شیطان پاسخ دهد، در واقع آخر آن جهنم است ولی جهنم جلوه همان غضب و انتقام خداوند است، پس نهایت امر حتی کسی که به دعوت شیطان در مسیر او حرکت می‌کند و عبودیت شیطان دارد، با خود شیطان سرانجام آن چهره غضب و انتقام خدا را ملاقات می‌کند، این‌گونه نیست که شیطان منتهای حرکت او باشد و کَانَ مقصدی غیر از مقصدی که خداوند قرار داده است باشد، این با «إِنَّكَ كَادِحٌ إِلَىٰ رَبِّكَ كَدْحًا فَمُلَاقِيهِ» منافات ندارد، هم کسی که در صراط مستقیم حرکت می‌کند و هم کسی که در صراط شیطان حرکت می‌کند، هر دو «ملاقای ربهما» هستند، هر دو ربّ خود را ملاقات

۱. سوره بقره: آیه ۱۸۶.

می‌کنند، این‌گونه نیست کسی به نقطه‌ای برسد که شیطان را ببیند و خدا را ملاقات نکند، او شیطان را ملاقات می‌کند، و اصلاً با او قرین و همراه است، و سرانجام این مسیر ملاقات ربّ است در جهنم، که ملاقات ربّ در آن تجلی یعنی ملاقات غضب و انتقام و عقاب خداوند، چنانچه این آیه دلالت بر این مطلب دارد، «ادْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ إِنَّ الَّذِينَ يَسْتَكْبِرُونَ عَنْ عِبَادَتِي سَيَدْخُلُونَ جَهَنَّمَ دَاخِرِينَ»^۱، من را بخوانید تا شما را اجابت کنم، و کسانی که از عبادت من استکبار داشته باشند و خودشان را بالاتر و برتر از این بدانند که بندگی من را کنند، «سَيَدْخُلُونَ جَهَنَّمَ دَاخِرِينَ»، با ذلت و خواری به سوی جهنم می‌روند، پس رفتن به سوی جهنم هم همان ملاقات ربّ است، منتهی آن جلوه غضب و انتقام الهی است.

پس به طور کلی راه‌های به سوی پروردگار دو دسته راه هستند، یا به تعبیر دقیقتر، راه‌ها به طور کلی بر دو قسم است، یک راه، راه شیطان است و یک راه، راه مستقیم، صراط مستقیم به معنای عام خود و راه غیر مستقیم که همان راه شیطان است.

مطلب سوم

راه به سوی خداوند دارای مختصات و ویژگی‌های مختلف است، بعضی راه‌ها نزدیک و بعضی دور هستند، بعضی راه‌ها به سوی بلندی هستند و بعضی راه‌ها به سوی پستی، در بعضی راه‌ها صعود است و در بعضی سقوط، راهی که به سوی خدا می‌باشد، هم نزدیک است و هم به سوی بلندی است، راهی که به سوی غیر خدا می‌باشد، هم دور است و هم رو به پایین و سقوط و پستی است، از جمله آیاتی که دلالت بر این مطلب می‌کند: آیه «إِنَّ الَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا وَاسْتَكْبَرُوا عَنْهَا لَأَ تَفْتَحُ لَهُمْ أَبْوَابُ السَّمَاءِ»^۲، کسانی که آیات ما را تکذیب کردند و در مقابل آیات ما استکبار ورزیدند و خود را برتر و بزرگ‌تر دیدند، «لَأَ تَفْتَحُ لَهُمْ أَبْوَابُ السَّمَاءِ»، باب‌ها و درهای آسمان به سوی آنها باز نمی‌شود، مفهوم آیه این است که، کسانی که اهل تکذیب آیات الهی نیستند و استکبار ندارند، درب‌ها به سوی آنها گشوده می‌شود، معنای افتتاح درب آسمان، «ابواب السماء» چیست؟ درب‌های آسمان به روی کسانی باز می‌شود که اهل تکذیب نیستند و در مقابل آیات الهی استکبار ندارند، وقتی بحث از آسمان و باب السماء و فتح این ابواب است، معلوم می‌شود این یک راهی به سمت بالا و آسمان است، اگر راه به سوی بالا نبود معنا نداشت سخن از سما و درب آسمان و باز شدن این درب‌ها به میان بیاید، خود این نشان می‌دهد که راهی که به سوی خدا طی می‌شود، راه به سوی آسمان است، معنای آن این نیست که یک جاده یا پله گذاشته باشند تا بتوان به آن رسید، بلکه به معنای راه اوج و بالا رفتن می‌باشد، در مقابل راه غیر خدا، راه «هوی» است، در آیه «وَمَنْ يَحْلِلْ عَلَيْهِ غَضَبِي فَقَدْ هَوَى»^۳، کسی که غضب من او را احاطه کند، کسی که گرفتار خشم و غضب من شود به سوی پایین و پستی سقوط می‌کند، «هوی» از مصدر «ه و ی» است، به معنای سقوط و

۱. سوره غافر: آیه ۶۰.

۲. سوره اعراف: آیه ۴۰.

۳. سوره طه: آیه ۸۱.

پایین افتادن و فرو افتادن در پستی است، قهراً معلوم است که غضب خداوند کسی را که تکذیب آیات می‌کند و در برابر خداوند و آیات الهی استکبار دارد در بر می‌گیرد و این شخص معلوم است که رو به پایین می‌رود، معنا و مفهوم آن این است که کسی غضب خدا او را احاطه نکرده است، بلکه رحمت خداوند هم او را فرا گرفته است، این رو به پایین نمی‌رود بلکه رو به بالا حرکت می‌کند.

پس ملاحظه فرمودید یک ویژگی و صفت برای راه، صفت بلندی و صفت پستی است.

بعضی از راه‌ها دور هستند و بعضی نزدیک هستند، یعنی راه بلند در عین حال نزدیک است، راه به سوی پایین هم دور است و در حضيض و در پستی قرار دارد، آیه‌ای که شاید بتوان از آن این دوری و نزدیکی طریق و صراط و سبیل را فهمید، آیه «أُولَئِكَ يُنَادُونَ مِنْ مَكَانٍ بَعِيدٍ»^۱، آنها را از یک مکان دور صدا می‌زنند، یعنی کسانی که ایمان به خداوند ندارند و کسانی که در طریق و سبیل ایمان به خدا حرکت نمی‌کنند و بلکه در یک مسیر غیر ایمانی حرکت می‌کنند، غایت آنها یک غایت دور است، پس آنهایی که در مسیر ایمان هستند دیگر «مِنْ مَكَانٍ بَعِيدٍ» نیستند، آنها نزدیک هستند، پس راه به سوی خدا و راه به سوی شیطان حداقل این ویژگی‌ها را دارند، یعنی این دو «ما به الامتیاز» این راه‌ها می‌باشد، هرچند در خود راه‌های به سوی خداوند و راه‌های به سوی شیطان اختلاف مرتبه وجود دارد، ممکن است یک راهی واقعاً با یک شیب تند و نزدیک انسان را به خدا برساند و اوج بگیرد و ممکن است برای کسی شیب آن کمتر باشد و دورتر از اولی باشد، ولی در مجموع هر راهی از راه‌های خدا، یعنی دورترین راه ایمانی به سوی خدا، نزدیک‌تر است از نزدیک‌ترین راه‌های شیطانی، چون خود راه‌های الهی هم در مرتبه یکسانی از بُعد و قرب نیست، یک راه‌هایی انسان را زودتر به مقصد می‌رساند، و یک راه‌هایی انسان را دیرتر به مقصد می‌رساند، و عقل ما را به طی مسیر در راه نزدیک و رو به بالا سوق می‌دهد. اگر بگوییم دو راه برای رسیدن به مقصد داریم، یک راه نزدیک‌تر و یک راه دورتر، عقل راه نزدیک‌تر را انتخاب می‌کند، مشکل این است که ما راه‌ها را نمیشناسیم و راه نزدیک را رها می‌کنیم و از راه دورتر می‌رویم، راهی که به سوی بلندی است و ابواب سماء را در برابر ما را باز می‌کند را رها می‌کنیم و دنبال راهی می‌رویم که به سوی بلندی است اما با زمان بیشتر ما را به آنجا می‌برد و در آن خطر وجود دارد.

«والحمد لله رب العالمین»

۱. سوره فصلت: آیه ۴۴.